



سه شیوه علمای شیعه برای حاکمیت اسلام

مدیر اجرایی جامعه روحانیت مبارز طی مقاله به بررسی سه شیوه علمای شیعه برای حاکمیت دین اسلام در جامعه در طول تاریخ پس از آغاز غیبت کبری امام زمان(عج) می پردازد.

مدیر اجرایی جامعه روحانیت مبارز طی مقاله به بررسی سه شیوه علمای شیعه برای حاکمیت دین اسلام در جامعه در طول تاریخ پس از آغاز غیبت کبری امام زمان(عج) می پردازد.

به گزارش خبزرگزار مهر، حجت الاسلام عبدالمقیم ناصحی مدیر اجرایی جامعه روحانیت مبارز به مناسبت فرارسیدن ایام الله دهه فجر مقاله ای را نگاشته است که در پی می آید:

پس از ارتحال بنیان گذار دین اسلام حضرت محمد (ص) در اوایل سال یازده هجری امامت حضرت علی (ع) آغاز و تا پایان غیبت صغری حضرت امام عصر (عج) رهبری و هدایت جامعه اسلامی به خصوص شیعیان به عهده امامان شیعه علیهم السلام (حدود 273 سال دوره رهبری و هدایت مردم به وسیله معصومین علیهم السلام) و پس از آغاز غیبت کبری هدایت و رهبری مسلمانان عملاً بر دوش علما و مجتهدین و مراجع دینی قرار گرفت. در این زمان طولانی عالمان دینی برای ایفای مسئولیت سنگین خود از سه شیوه استفاده کردند.

اول: گروهی از علما و مراجع و اندیشمندان اسلامی با حکومتهای ظالم وقت ارتباطی نداشتند و با تمام توان مشغول کارهای فرهنگی از قبیل تأسیس حوزه علمی، ساختن مدارس دینی تربیت طلاب علوم اسلامی، تألیف کتب دینی مباحثه و مناظره در علوم مختلف اسلامی همچون فقه، اصول کلام، فلسفه، تاریخ، حدیث، تفسیر و عرفان بوده‌اند.

آنان، ولایت از طرف حکومت جائز و ستمگر را حرام می‌دانستند و از آن دوری می‌جستند. از این گروه می‌توان آیات عظام شیخ مرتضی انصاری، میرزای قمی و شیخ عبدالکریم حائری (مؤسس حوزه علمیه قم)، صاحب معالم (حسن ابن شهید ثانی) و صاحب مدارک (سید محمد عاملی) و... را نام برد.

در جلسه‌ای، فتح‌علی‌شاه از میرزای قمی، صاحب قوانین، درخواست کرد که اجازه دهد دختر خود را به همسری پسر میرزا درآورد و رابطه خانوادگی برقرار گردد. آن جلسه بدون نتیجه پایان یافت. میرزا که از این پیشنهاد سخت نگران بود و این احتمال وجود داشت که مجبور شود واز روی ناچاری به این وصلت تن در دهد، دست به دعا برداشت و گفت: خداوند، اگر بناست شاهزاده به همسری پسر من درآید مرگ جوانم را برسان. طولی نکشید فرزندش در حوض منزل غرق و از دنیا رفت.

صاحب معالم و صاحب مدارک چون بیم آن داشتند که اگر به ایران مسافرت کنند ممکن است شاه عباس صفوی بخواهد با آنها دیدار و ملاقات کند حتی برای زیارت امام رضا (ع) به ایران نیامدند و از این رو مرقد امام رضا (ع) را زیارت نکردند.

دوم: متوجه شدند قدرت دست حاکمان ظالم بوده و آنان قدرت براندازی حکومتها و تشکیل حکومت اسلامی را ندارند؛ لذا خود وارد حکومت شده و مسئولیت پذیرفتند تا به این وسیله جلوی ظلمها و تعدیات حکام نسبت به مسلمانان را گرفته و از قدرت آنان در بسط و گسترش فرهنگ شیعه بهره‌برداری کنند. برای نمونه می‌توان به نقش سیدرضی در حکومت آل بویه، خواجه نصیر طوسی در حکومت هلاکوخان مغول، علامه حلی در حکومت سلطان محمد خدابنده، محقق کرکی در حکومت شاه طهماسب و شیخ بهائی و علامه مجلسی را در حکومت صفویه و قاضی نورآ... شوشتری در حکومت اکبرشاه در هندوستان و ... اشاره کرد.

حاکمان مغول بت‌پرست بودند و خواجه نصیر زمینه‌گرایش به اسلام را در نوه‌های هلاکو به وجود آورد و علامه حلی سلطان محمد

خدابنده را شیعه نمود و پس از شیعه شدن ابلاغ کرد در مملکت، خطبه به نام امامان شیعه خوانده و سکه به نام آنان بزنند.

شاه طهماسب به محقق کرکی می‌نویسد: «انتَ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ لِاتِّكَ التَّائِبُ عَنِ الْإِمَامِ وَ إِنَّمَا أَكُونُ مِنْ عَمَّا لِكَ اقْوَمُ بِإِوَامِرِكَ وَ تَوَاهِيكَ»

قدرت علما در زمان صفویه زیاد بود و از آن استفاده‌های زیاد بردند. شاه اسماعیل صفوی می‌گفت عمام را با 12 کنگره ببندید که بدانند من شیعه 12 امامی هستم مرحوم علامه مجلسی از این موقعیت استفاده کرده، کتاب‌های زیادی از اقصای نقاط دنیا جمع‌آوری نمود تا روایات آل محمد (ص) را ثبت و ضبط کند.

مرحوم قاضی نورا... شوشتری قاضی القضاات اکبرشاه بود و طبق فقه شیعه قضاوت می‌کرد. کتاب‌های احقاق الحق و مجالس المؤمنین را نوشت، پس از روی کارآمدن جهانگیرشاه پسر اکبرشاه به تحریک علمای اهل سنت با وضع فجیعی وی را به شهادت رساندند.

سوم: عده‌ای از علما با حکومت‌های جائر و ظالم درگیر شده و با آنان مبارزه کردند و صدمات زیادی متحمل شدند. از آن جمله می‌توان به علما و مراجع بزرگوار چو سیدابوالحسن اصفهانی، میرزای شیرازی، سیدمحمد مجاهد، شیخ فضل‌ا... نوری، سیدحسن مدرس، سیدجمال‌الدین اسدآبادی، سیدابوالقاسم کاشانی و حضرت امام خمینی (ره) اشاره نمود.

هر سه گروه از علما و مراجع برای خدا تلاش نموده و مجموع این تلاشها و زحمات و مبارزات در راستای هدایت امت اسلامی و نگرهبانی و حراست از فرهنگ غنی تشیع بوده است. در این تاریخ طولانی گاهی علما و پیشوایان مذهبی از حکومت‌ها امتیازاتی در راستای اهداف دینی خود گرفته و پیروزی‌های مقطعی داشته‌اند؛ اما هیچ‌کدام آنان موفق به براندازی حکومت‌های ظلم و ستم و تشکیل حکومت اسلامی به رهبری ولی فقیه نشدند و فقط حضرت امام خمینی (ره) موفق شد پس از 15 سال مبارزه و آگاه کردن جامعه، حکومت دیکتاتوری 2500 ساله شاهنشاهی را سرنگون نموده و حکومت اسلامی را تشکیل دهد.

با این کار شعارهای بزرگ و اسلامی مردم مسلمان ایران را تجسم بخشید و کشور بزرگ ایران را به استقلال سیاسی رساند؛ قوانین مملکت را اسلامی نموده و به همه مبارزان جهان برای استقلال و آزادی و رهایی از سلطه مستکبرین امیدواری بخشید و اسلام را به عنوان یک مکتب سیاسی دینی که می‌تواند انقلاب کند و حکومت تشکیل دهد و موفق باشد، معرفی فرمود و تئوری‌های منفی راجع به اسلام خاتمه داد. البته دشمنان اسلام خیلی تلاش کردند حکومت به دست علمای اسلام نیفتد؛ اما با درایت و رهبری امام امت و همراهی روحانیت فداکار شیعه و حماسه‌های بی‌نظیر و بی‌سابقه مردم، مبارزات پانزده ساله امام و امت در 22 بهمن 57 به ثمر نشست.